

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین

از منظر نظریه سازه‌انگاری

حسن مجیدی / استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) / majidi118@gmail.com
سیدمرتضی کاظمی دینان / دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل / m_waresh2002@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹

چکیده

تحولات عظیم رخ داده در برخی کشورهای خاورمیانه و افریقا با عنوان «بیداری اسلامی» طی سال‌های اخیر، تأثیرات عمیقی در منطقه خاورمیانه برجای گذاشته است. اما در این بین، بیداری اسلامی در کشور بحرین، از اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی برخوردار است. با عنایت به هویت ظلم‌ستیزانه و اسلامی - شیعی اکثریت معترضان و به‌ویژه جمعیت «الوفاق» در این کشور و تعاملات معنوی بسیار نزدیک رهبران این جنبش با جمهوری اسلامی، به‌نظر می‌رسد بر مبنای آموزه‌ها و محورهای موجود در نظریه سازه‌انگاری بتوان راهبرد اتخاذ شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال بیداری اسلامی در بحرین را تحلیل کرد. یافته‌های این مقاله، نشان می‌دهد بر مبنای آموزه‌های مطروحه در نظریه سازه‌انگاری، جمهوری اسلامی ایران بر اساس هویتی که از خود، رژیم‌های آل‌سعود عربستان و آل‌خلیفه تعریف کرده و تحولات بحرین را مصداقی بارز از بیداری اسلامی می‌داند، سیاست خارجی خود را در قبال این تحولات پی‌گیری می‌کند. حمایت کامل سیاسی و رسانه‌ای از گروه سیاسی غیردولتی اسلام‌گرای الوفاق بحرین و شخص شیخ علی سلمان دبیر کل آن، مصداقی بارز بر این مدعاست. به بیان دیگر، به‌نظر می‌رسد ساختار بین‌الذهانی شکل‌گرفته بین ایران و جمعیت الوفاق به نمایندگی از شیعیان بحرین (عقاید مشترک، دشمنان مشترک و اهداف همراستا)، باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران، حمایت از این گروه سیاسی غیردولتی را تأمین‌کننده منافع ملی و مقوم اصول و ارزش‌های نظام خود بداند.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، بحرین، جمعیت الوفاق، ایران، شیعیان، سازه‌انگاری.

مقدمه

مجموعه تحولات عظیمی که از هیجده دسامبر سال ۲۰۱۰ و در پی خودسوزی محمد بوعزیزی جوان دستفروش تونسی در اعتراض به سیاست‌های هیأت حاکمه این کشور رخ داد، به طیف وسیعی از کشورهای خاورمیانه و افریقا سرایت کرد که دامنه آن تاکنون ادامه دارد و تأثیرات عمیقی را بر سیاست داخلی و خارجی کشورهای یادشده و هم‌چنین نظام بین‌الملل بر جای گذاشته است. فارغ از اختلاف‌های موجود در تعریف و یا منشأ و عنوان تحولات یاد شده، این تحولات موجبات شکل‌گیری نوع جدیدی از مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی شده که باعث افول و یا صعود جایگاه برخی بازی‌گران مختلف نظام بین‌الملل گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به شاخص تعیین‌کننده «موضع معترضان در برابر مسأله فلسطین»^۱، تحولات بحرین را مصداق «بیداری اسلامی» می‌داند و با همین استدلال، به نقد جدی رفتار حکام آل‌خلیفه با معترضان مبادرت ورزیده است که عمدتاً از شیعیان بحرینی هستند. اما فارغ از مشهود بودن این جهت‌گیری کلی کشورمان سؤال اساسی این است که راهبرد جمهوری اسلامی در قبال تحولات بحرین و سازوکارهای حصول اهداف آن چیست و این امر به چه صورت، جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا کرده است؟

ادبیات بحث

عمده پژوهش‌هایی که بعد از تحولات بحرین صورت پذیرفته، بر روند اعتراضات و واکنش حکومت و یا تأثیر انقلاب اسلامی بر اعتراضات مردمی متمرکز شده و معدود تحقیقاتی نیز که درباره راهبرد ایران انجام شده، از منظر خاص مسائل هویتی و مؤلفه‌های سازه‌انگارانه نبوده است.

۱. رهبر انقلاب اسلامی: درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضع‌گیری آنان در قبال مسأله فلسطین جست‌وجو کرد. از شصت سال پیش تاکنون، داغی بزرگ‌تر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. (۹ خرداد ۱۳۹۳)

محمدصادق نجفی و غلامحسین بلندیان، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در بحرین»، بزرگ‌ترین تأثیر انقلاب ایران را بر ملت‌های مسلمان برشمرده‌اند و معتقدند که ملت بحرین نیز از این انقلاب الگو گرفته‌اند. البته در این مقاله، اشاره چندانی به راهبرد ایران در قبال تحولات بحرین نشده است. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۵)

رسول افضلی و دیگران نیز طی مقاله‌ای، به بررسی تبعات و نتایج احتمالی تغییر رژیم در بحرین و مشخصاً آثار آن بر ایران و عربستان، پرداخته‌اند. البته به‌طور مصداقی و دقیق، اشاره‌ای به راهبرد ایران در قبال تحولات بحرین نکرده‌اند. (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵)

حسینعلی توتی و احمد دوست‌محمدی نیز از منظر قدرت نرم ایران در خاورمیانه، به تحولات بحرین و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در این کشور پرداخته‌اند و در نهایت، پیشنهادهایی داده‌اند که البته برخی از آن‌ها تا حدودی انتزاعی و غیرعملیاتی هستند. (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۲)

با عنایت به موارد یادشده، این تحقیق درصدد است تا با استفاده از دستگاه نظری سازه‌نگاری، راهبرد ایران در قبال تحولات بحرین بعد از انقلاب چهارده فوریه ۲۰۱۱ و مشخصاً نوع مواضع جمهوری اسلامی در قبال جنبش شیعی «الوفاق» بحرین را به عنوان محور اعتراضات بررسی کند و در صورت امکان، پیشنهادهایی عملی برای این امر ابراز نماید.

اصول و مفاهیم نظریه سازه‌نگاری (constructivism)

با عنایت به این‌که در این مقاله، از سازه‌نگاری به‌عنوان دستگاه نظری بحث استفاده خواهد شد، لازم است تا به‌صورت اجمالی، به مباحث مطرح و محورهای مهم این نظریه پرداخته شود.

سازهانگاران مانند نظریه‌پردازان انتقادی و پست‌مدرن‌ها، معتقدند که واقعیت اجتماعی خارجی و عینی، آن‌گونه که به نظر می‌رسد، وجود ندارد. عقیده کلیدی این است که دنیای اجتماعی، از جمله روابط بین‌الملل یک ساختار بشری است. سازهانگاری روش‌شناختی قدیمی است که دست‌کم به آثار قرن هجدهم گیامباتیستا ویکو (Giambattista Vico) برمی‌گردد. نظریه‌پردازان برجسته سازهانگاری روابط بین‌الملل، فردریش کراتوچویل (Fredrich kratochwill) (۱۹۸۹)، نیکولاس اونف (Nicholas onuf) (۱۹۸۹)، آکساندر ونت (Alexander wendt) (۱۹۹۲) و جان راگی (John Ruggie) هستند. (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱، ص ۳۰۵)

طبق نظریه سازهانگاران، دنیای اجتماعی چیز خاص و معینی نیست؛ یعنی چیزی در خارج وجود ندارد که قوانین آن از طریق تحقیق علمی همان‌طور که رفتارگرایان و اثبات‌گرایان معتقدند قابل کشف یا با کمک نظریه علمی قابل تشریح باشد. بلکه بیشتر زمینه‌ای بین‌ذهنی است؛ یعنی برای افرادی که آن را ساخته‌اند و در آن زندگی می‌کنند و آن را می‌فهمند دارای معناست. سازهانگاران در مقایسه با اثبات‌گراها، بر نقش عقاید و شناخت مشترک دنیای اجتماعی تأکید دارند؛ برای مثال، مسأله امنیت تنها از این واقعیت تشکیل نشده است که دو کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای باشند، بلکه به این امر بستگی دارد که این دولت‌ها چه دیدی نسبت به هم دارند. این دیدگاه بر مبنای شناخت مشترک قرار دارد، برای مثال، پانصد سلاح هسته‌ای انگلیسی‌ها برای امریکایی‌ها نسبت به پنج سلاح هسته‌ای کره شمالی کم خطرتر است؛ زیرا انگلیسی‌ها دوستان آمریکا هستند ولی کره شمالی این‌گونه نیست. مناسبات دوستانه و خصمانه حاصل فهم مشترک است. الکساندر ونت (۱۹۹۲) در عبارتی مکرر به هسته روش‌شناختی سازهانگاری روابط بین‌الملل اشاره می‌کند:

هرج و مرج چیزی است که خود دولت‌ها به وجود می‌آورند.

تصور سازه‌انگاری ونت در مورد ساختارهای اجتماعی این است که «این ساختارها دارای سه عنصرند: شناخت مشترک، منابع مادی و عمل. در درجه نخست، ساختارهای اجتماعی تا اندازه‌ای به واسطه فهم توقعات یا شناخت مشترک تعریف می‌گردند. این عوامل، بازی‌گران را در وضعیت خاص و ماهیت روابطشان را - خواه مشارکت‌جویانه خواه منازعه‌آمیز - به وجود می‌آورد». (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۳، ص ۳۰۵-۳۰۶)

سازه‌انگاران معتقدند، دنیای بین‌الملل عینی جدا از اعمال و نهادهایی وجود ندارد که دولت‌ها بین خود تنظیم می‌کنند. ونت معتقد است که هرج و مرج خودبسنده، یک نوع خاص از واقعیت بیرونی نیست که منطق تجزیه و تحلیل مبتنی بر نوواقع‌گرایی را تلقین کند. در اینجا او اساساً با تز اصلی والتز در نظریه رئالیسم ساختاری یعنی «اصل قوام‌بخش و نظام‌دهنده سیاست بین‌الملل، آنارشی است»، مخالفت می‌کند: خودبستگی و سیاست قدرت، نهادها هستند نه صورت‌های ضروری از هرج و مرج. (Wendt, 1992, P. 394-419)

ونت، مکتب برسازی (سازه‌انگاری) را چنین تعریف می‌کند:

این مکتب، نظریه‌ای ساختاری درباره نظام بین‌الملل است که ادعاهای محوری‌اش به قرار ذیل است:

۱. دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل برای نظریه سیاسی بین‌المللی هستند؛

۲. ساختارهای اصلی نظام دولت‌ها نه مادی بلکه بینادنی هستند؛

۳. هویت‌ها و منافع دولت را تا حد زیادی همین ساختارهای اجتماعی شکل می‌بخشند نه این که سرشت بشر یا سیاست‌های داخلی‌شان آن‌ها را به صورت اموری مسلم از بیرون بر نظام بار کند. (گریفیتس، روچ و

سولومون، ۲۰۰۹، ص ۲۳۴-۲۳۶)

به اعتقاد ونت، واقعیت‌های خام مربوط به توزیع این یا آن نوع قدرت مادی نیست که اهمیت دارد، بلکه تفسیر و اهمیتی است که خود بازی‌گران برای آن‌ها قائلند. از لحاظ ابعاد هستی‌شناختی و شناخت‌شناسانه نظریه روابط بین‌الملل، ونت تلاش زیادی برای آشکار ساختن محدودیت‌های مباحث نواقع‌گرایی و نولیبرالیسم در این رشته به عمل آورده است. (گریفتیس، روچ و سولومون، ۲۰۰۹، ص ۲۳۶-۲۳۸)

کاربست مهم این نظریه در مقاله حاضر که به نظر می‌رسد دیگر نظریه‌ها کاملاً قادر به این امر نباشند، در نشان دادن تأثیر مسائل هویتی و ساختارهای بین‌الذهانی در نوع جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال تحولات دیگر کشورهای منطقه و همچنین گروه‌های سیاسی غیردولتی فعال در آن کشورها (نظیر جمعیت سیاسی الوفاق بحرین و یا جنبش انصارالله یمن) است.

به عبارت دیگر، قرار است این نظریه به ما کمک کند تا بفهمیم که چرا جمهوری اسلامی که باید علی‌القاعده روابطش دولت‌محور باشد و تقویت و تحکیم و حتی ارتقاء رابطه‌اش با دولت همسایه بحرین و رژیم آل‌خلیفه را دنبال کند، برای حمایت از یگ گروه سیاسی معارض دولت بحرین، هزینه‌های مادی و معنوی پرداخت می‌نماید و ضمن انتقاد جدی از رفتار سال‌های اخیر رژیم آل‌خلیفه در برخورد با معترضان، از تمام امکانات سیاسی و رسانه‌ای خود در این زمینه استفاده می‌کند که در این زمینه، تیرگی روابطش با حکومت بحرین، تا مرز قطع شدن پیش می‌رود.

در توضیح بیشتر باید گفت که توجه سازه‌انگاری به این مسأله که دولت‌ها بر مبنای نوع نگاه، برداشت و تعریفشان از دولت و یا موجودیت سیاسی دیگر، با آن برخورد می‌نمایند و نوع و سطح روابطشان را با آن تنظیم می‌کنند، باعث می‌شود تا بتوانیم سازوکاری مناسب برای تشریح نوع رابطه جمهوری اسلامی با تحولات کشورهای عربی نظیر بحرین و گروه‌های سیاسی فعال در آن پیدا کنیم.

برای استفاده از این نظریه، تلاش خواهد شد تا حتی الامکان با بررسی مواضع و تصمیمات مقامات ارشد جمهوری اسلامی و همچنین نوع پوشش رسانه‌ای برخی شبکه‌های برون‌مرزی سازمان صدا و سیما درباره تحولات بحرین، بفهمیم که تا چه میزانی، مواضع و اقدامات فوق متاثر از مسائل هویتی بوده است.

عوامل و مراحل مختلف بیداری اسلامی

برخی از محققان ایرانی روابط بین‌الملل، نظیر ارسلان قربانی و رضا سیمبر، بر این اعتقادند که نظریه بیداری اسلامی، در مقابل طرح‌های کشورهای غربی (برای سلطه پیدا و پنهان در کشورهای جهان اسلام به خصوص منطقه استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا) شکل گرفته است. این نظریه، بر آگاهی جهان اسلام بر مسائل، مشکلات و چالش‌های کشورهای خود و نیز مقابله با طرح‌های غرب به خصوص آمریکا در منطقه دلالت و تأکید می‌کند. (قربانی و سیمبر رضا، ۱۳۹۳، ص ۵۵-۵۶)

در عین حال برخی از صاحب‌نظران، برای بیداری اسلامی سه موج متمایز قائلند: در موج اول که از حدود نیمه دوم قرن سیزدهم اسلامی و نوزدهم مسیحی شروع شد، جنبشی اصلاحی در جهان اسلام آغاز گردید که شامل کشورهای ایران، مصر، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان می‌شد. این جنبش‌ها، به دنبال رکودی چند قرن رخ دادند و تا حدی واکنشی به هجوم استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب بودند و نوعی بیدارسازی و رنسانس (تجدید حیات) در جهان اسلام به شمار می‌رفتند. از جمله رهبران فکری این موج عبارت بودند از: سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، شیخ محمد عبده، عبدالرحمان کوآکبی، ابوالاعلی مودودی و حسن البنا. (گنجی ارجنکی، ۱۳۸۸، ص ۵۵-۸۹) دوره مذکور از قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم و متعاقب آن تشکیل دولت غاصب صهیونیستی را در برمی‌گیرد.

در موج دوم بیداری اسلامی که تقریباً از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸ شروع شد و تا زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ ادامه یافت، تقابل جهان اسلام با منافع غرب، رنگ قهرآمیز به خود می‌گیرد و اسلام سیاسی و فعال، جایگزین اسلام فردی و منفعل می‌شود. هم‌چنین مسأله دارالاسلام - دارالحرب، جایگاه ویژه‌ای بین مسلمانان پیدا می‌کند و اسلام‌گرایان را به سمت مبارزه با غرب یا حکومت‌های غیرمردمی وابسته به غرب می‌شوراند. در این مرحله، انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و هم‌چنین، جنبش‌های مختلفی هم‌چون: جهاد اسلامی فلسطین (۱۹۸۰)، حزب‌الله لبنان (۱۹۸۲) و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق (۱۹۸۰) پدیدار شدند. از جمله رهبران فکری این موج عبارتند از: امام خمینی علیه السلام، سید محمدباقر صدر و سید قطب.

موج سوم بیداری اسلامی نیز از سال‌های پس از فروپاشی شوروی شروع شده و طی آن، اسلام‌گرایان به دنبال کسب قدرت سیاسی و اعلام توانمندی اندیشه اسلامی و توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی هستند تا راه برای اجرای بهتر احکام و اصول اسلامی فراهم شود. برای مثال، در ترکیه نجم‌الدین اربکان در سال ۱۹۷۶ اولین حزب اسلامی را با عنوان نظم ملی تأسیس کرد. (گنجی ارجنکی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶)

به اعتقاد نگارندگان مقاله، تحولات اخیر در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان به‌عنوان موج چهارم بیداری اسلامی دانست. البته این امر بدان معنا نیست که هیچ ارتباط و ویژگی مشترکی بین این موج با امواج قبلی بیداری اسلامی وجود ندارد، بلکه اعتقاد بر این است که موج اخیر در جهت تکامل حرکات قبلی و رفع کاستی‌ها و نواقص احتمالی آن‌ها بوده و در این جهت، علاوه بر شبکه مساجد و گروه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی، از ابزار جدید اطلاع‌رسانی و فضای مجازی نظیر توئیتر، فیس‌بوک و غیره استفاده شایانی شد؛ ضمن این‌که سرعت تحولات

اجتماعی در این موج بسیار زیاد بود. هم‌چنین باید اشاره کرد که در بسیاری از کشورهای که تحولات در آن‌ها رخ داد، اساساً انقلاب‌ها بدون یک رهبری متمرکز و مشخص صورت گرفت و می‌توان گفت: «انقلاب‌هایی بی‌سر» بودند؛ البته به همین دلیل نیز برخی از آن‌ها نظیر مصر و لیبی، با ناکامی و یا قلب هدف و مسیر مواجه شدند. همین امر زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی نگاه جدید در دانشمندان علوم سیاسی درباره میزان و نوع تأثیرگذاری رسانه‌های یادشده در تحولات سیاسی شد.

نکته مهم درباره این موج اخیر بیداری اسلامی، نقش کنش‌گران فراملی در این جنبش‌هاست. باید توجه داشت که کنش‌گرانی هم‌چون، دولت‌های قدرتمند غربی، نهادهای بین‌المللی، فعالان حقوق بشر و بنگاه‌های اقتصادی، در ظهور، گسترش، تعدیل و مهار جنبش‌های جهان عرب، اثرگذار بوده‌اند. (قنبرلو، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱) هر چند به‌طور قطع، تأثیر آن‌ها یکسان و یک اندازه نبوده است.

برخی از دانشمندان علوم سیاسی، در همین زمینه اعتقاد دارند که دنیای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان، جهان عرب را به مثابه جامعه‌ای تک‌صدایی و با هدف مشترک، بازسازی کرد که به این روند، می‌توان «وضعیت پست‌مدرن جهان عرب» اطلاق کرد. (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷) ضمناً باید توجه داشت که در این برهه، مسأله ناکارآمدی حکومت‌های عربی در تحقق «حکمرانی خوب» (Good governance) و ضعف آن‌ها در تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی شهروندانشان نیز نقش ویژه‌ای در اعتراضات مردمی ایفا می‌کرد. از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر شاهد بودیم که تشدید بحران‌های اقتصادی، مشکلات ساختاری منطقه را عمق بخشیده و بی‌ثباتی سیاسی، اوضاع اقتصادی را در اکثر کشورهای منطقه مانند اردن، یمن، مصر، تونس و بحرین، با بحران شدیدی روبه‌رو کرده است. (شکوه، ۱۳۹۱، ص ۲۴)

شیعیان بحرین

الف: وضعیت کلی

با عنایت به این‌که شیعیان بحرین، اکثریت غیرحاکم و حاشیه‌ای هستند، لازم است قبل از بررسی تحولات بحرین، وضعیت آن‌ها بررسی گردد. از منظر جامعه‌شناسی و ترکیب جمعیتی، باید توجه داشت که حدود ۷۵ درصد جمعیت بحرین شیعه هستند. (<http://www.shia-news.com/fa/news>، ۲۹ فروردین ۱۳۹۴)

از زمان استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ تاکنون، حاکمیت با اقلیت سنی آل‌خلیفه بوده است. بهترین مناطق شیعه‌نشین جدحفص و سنابس ذکر شده‌اند. شیعیان بحرین بیشتر روستانشین هستند. (جعفریان، ۱۳۷۱، ص ۴۲)

بیشتر شیعیان دور از مناطق شهری زندگی می‌کنند و در فقر به سر می‌برند و جز عده معدودی که توانسته‌اند با کسب برخی پست‌های دولتی، به وضعیت مطلوبی از نظر اقتصادی دست یابند، بقیه در وضعیت نابسامانی قرار دارند. اکثر شیعیان، به‌طور سنتی به ماهی‌گیری و حرفه‌های کشاورزی مشغولند و در نواحی ساحلی و دورافتاده زندگی می‌کنند. تنها در دهه‌های اخیر، عده‌ای از آنان در منامه و المحرق و تأسیسات نفتی سیترا و الاولی به صفوف کارگری پیوسته‌اند. (متقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰)

بی‌شک این وضعیت اقتصادی - سیاسی، با خطمشی حاکمان سنی بی‌ارتباط نیست. شیعیان بحرین با وجود آن‌که در اکثریت هستند، همواره در جایگاه «شهروند درجه دوم» قرار داشته‌اند.

به‌نظر می‌رسد شیعیان بحرین از شیعیان عربستان آزادتر باشند، ولی رویدادهای رخ داده در سال‌های اخیر در این کشور، نشان می‌دهد که هر موقع شیعیان بخواهند با استفاده از مکانیسم‌های صلح‌آمیز دموکراتیک حقوق خود را مطالبه کنند، برخوردهای شدید با آنان صورت می‌گیرد.

حاکمان بحرین به دلیل در اقلیت بودن (از نظر جمعیتی)، حرکات شیعیان را تهدیدی برای نظام خود تلقی می‌کنند و تمایل چندانی به شرکت دادن آن‌ها در عرصه حکومت و قدرت ندارند. در واقع در نظام سیاسی - اجتماعی و ارکان حکومتی بحرین، شیعیان در پایین‌ترین مرتبه جای می‌گیرند. خانواده حاکم آل‌خلیفه بالاترین رتبه را دارد و پس از آن به ترتیب قبایل (سنی)، تاجران (که شیعیان شمار بسیار اندکی از آن‌ها را تشکیل می‌دهند)، تکنوکرات‌ها، شیعیان ایرانی و در آخر شیعیان بومی قرار دارند. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹)

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم که نمایندگی برخی مراجع عظام تقلید از جمله آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای را به عهده دارد، رهبر معنوی کل شیعیان بحرین نیز شناخته می‌شود و از جایگاه و محبوبیت و نفوذ بالایی در بین شیعیان برخوردار است.

ب: احزاب و تشکل‌های مهم سیاسی - اجتماعی شیعه در بحرین

۱. جمعیت وفاق ملی اسلامی (جمعیه الوفاق الوطنی الاسلامی): برجسته‌ترین حزب سیاسی شیعه است. این حزب را در سال ۲۰۰۲ یکصد تن از علمای شیعه بحرینی تأسیس کردند؛ نظیر دکتر سعید شهابی (معارض دولت بحرین و مقیم لندن)، شیخ علی سلمان، شیخ عبدالامیر الجمری، استاد عبدالوهاب حسین و استاد حسن المشیمع.

جمعیت الوفاق را از بعد تاریخی، باید میراث‌دار جنبش احرار دانست که محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود. دیدگاه حاکم بر این جمعیت آن است که برای ساخت کشوری پیشرفته، باید به حاکمیت مردم در تمام نهادهای حکومتی روی آورد و بنابراین شعارهای «آزادی، عدالت و برابری» را بر اساس اصول و مبادی اسلامی سر می‌دهد. (نیکو، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲)

الوفاق هم به لحاظ تعداد اعضا و هم به لحاظ تعداد نمایندگان خود در پارلمان، از سال ۲۰۰۶ به بعد، به بزرگ‌ترین جمعیت سیاسی کشور تبدیل شده است. این

جمعیت، رهبری چندین حزب شیعی از جمله حزب «الدعوه» را نیز بر عهده دارد. (حاتمی و بغیری، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰)

شیخ علی سلمان دبیر کل این جمعیت است. جمعیت وفاق توانست تمام هیجده کرسی مجلس را در انتخابات ۲۰۱۰ که به شیعیان اختصاص داده شده بود، به دست بیاورد. (خبرگزاری فارس، دوم آبان ۱۳۸۹) شیخ علی سلمان عالم شیعه‌مذهب بحرینی، از منتقدان نظام و از رهبران اپوزیسیون شیعه بحرین است. وی چند سال در شهر قم به تحصیل مشغول بود. وی در حال حاضر به دلیل اعتراض به نحوه حکومت‌داری آل‌خلیفه، در زندان است.

۲. جمعیت التوعیه: شاخه‌ای از «حزب‌الدعوه» عراق است و شیخ عیسی قاسم، شیخ سلیمان مدنی و شیخ عبدالامیر الجمری، از بنیان‌گذاران آن بودند. در حال حاضر این جمعیت با نظارت علمای برجسته بحرین اداره می‌شود و بیشتر به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد.

۳. جمعیت العمل الاسلامی (امل): این حزب، یکی از انشعاب‌های سازمان نظامی جبهه اسلامی برای آزادی بحرین (Islamic Front for liberation of Bahrain) است. مرجع تقلید این حزب آیت‌الله سیدمحمد شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی بود که در سال ۲۰۰۱ در قم فوت کرد. این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۶ حضور یافت ولی کرسی‌ای را به دست نیاورد. سیدهادی مدرسی رهبر معنوی این حزب است که در سوابق خود، تشکیل جبهه اسلامی آزادی بحرین و کودتا علیه رژیم آل‌خلیفه در سال ۱۹۸۱ را دارد. وی بعد از این کودتا اخراج شد و به ایران آمد.

۱. برخی تحلیل‌گران معتقدند که اهمیت ژئواستراتژیک بحرین برای ایران در جنگ با صدام، سبب شده بود که ایران از سازمان‌های اسلامی در جهت انجام‌دادن این کودتا حمایت به عمل آورد. این افراد اعتقاد دارند که قرار بود آیت‌الله مدرسی به نمایندگی از امام خمینی در بحرین زعامت نماید.

(marschall, christen, 2003, irans Persian gulf policy: from Khomeini to khatami, USA, Routledge: P.32)

در حال حاضر شیخ محمدعلی المحفوظ، رهبر این جنبش است. این جنبش با جمعیت الوفاق ارتباط زیادی دارد، هر چند برخی اختلافات میان رهبران آن‌ها نیز دیده می‌شود. (محمدرضا حاتمی، و علی بغیری، جنبش‌های اسلامی بحرین، در: دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی، به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، ج ۴، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷-۱۹۸)

۴. جبهه اسلامی برای آزادی بحرین (الجبهه الاسلامیه لتحرير البحرين): از سال ۱۹۹۰ به بعد، این تشکل به تدریج خود را با دیگر مخالفان و جریان اصلی سیاست در این کشور وفق داد و به اهداف و اصول دموکراتیک گرایش یافت. تا قبل از این تاریخ، این تشکل، پیشتاز حرکت اسلامی و نماینده بنیادگرایی اسلامی در بحرین بود. (بحرانی، ۱۳۸۱، ص ۶۹)

۵. حزب‌الله بحرین: دولت بحرین از سال ۱۹۸۷ به بعد، بارها ادعا کرده که گروهی به نام حزب‌الله بحرین، خواهان سرنگونی حکومت آن کشورند. در گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر در سال ۱۹۹۷ آمده است:

«هیچ گروه مخالف بحرینی با نام حزب‌الله شناخته نشد. این اصطلاحی است که صرفاً از سوی حکومت برای اشاره به طیف نیروهای شیعه مخالف استفاده می‌شود». (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴، ص ۳۰۶)

۶. حركة الخلايا الثورية (حرکت هسته‌های انقلابی)؛

۷. حركة انصار الشهداء الاسلاميه (حرکت اسلامی انصارالشهدا)؛

۸. حزب العمل الاسلامی؛

۹. حزب الرساله؛

۱۰. جمعیت اهل‌البیت.

ریشه‌های بیداری اسلامی در بحرین

تحولات بیداری اسلامی در بحرین از چهارده فوریه ۲۰۱۱ به‌طور رسمی شروع شد. در این روز، اولین گردهمایی بزرگ در میدان لؤلؤ بحرین (سه روز بعد از سقوط حسنی مبارک در مصر) شکل گرفت. گردهمایی اولیه مردم بر اساس دعوتی بود که جوانان مسلمان و انقلابی بحرین از طریق ارتباطات میان‌فردی و مساجد (که به‌صورت شبکه‌ای اجتماعی عمل می‌کنند) و هم‌چنین از طریق وسایل ارتباطی جدید نظیر اینترنت و فیس‌بوک انجام دادند و از این جهت می‌توان شباهتی بین تحولات جدید بحرین، مصر و تونس یافت.

به تدریج و با اوج‌گیری اعتراضات و قیام مردمی، اپوزیسیون سنتی و معروف بحرین نیز به تجمعات پیوستند. سیاست گام به گام احزاب اپوزیسیون در پیوستن به مردم، نشان می‌دهد که احزاب قدیمی و اپوزیسیون سنتی همانند دیگر کشورهای عربی، به این سرعت توقع فراگیر شدن اعتراضات را نداشتند، گرچه ریشه اعتراضات در بحرین، بسیار کهن‌تر و بنیادی‌تر از تحولات اخیر است و از نارضایتی عمیق و تاریخی عامه مردم (اعم از شیعه و سنی) از هیأت حاکمه این کشور سرچشمه می‌گیرد. (کاظمی دینان، ۱۳۹۱، ص ۱۸)

محمد رمضان، استاد حوزه علمیه منامه، در تشریح استراتژی معترضان بحرینی

چنین می‌گوید:

قیام و نهضت مردم بحرین با شعار «اخوان سنه و شیعه، هذا البلد منیبه»، یک نشانه‌گذاری برجسته در رویکرد به اسلام، اجتناب از طایفه‌گری و پرهیز از اختلافات مذهبی و عشق وافر به آب و خاک و سرزمین آبا و اجدادی را به نمایش نهاد. استراتژی انقلابیون در این بزنگاه حساس، «مقاومت فعال» است. (فقیه حقانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲)

افزایش خشونت علیه مردم و هم‌کاری آل‌خلیفه و آل‌سعود در سرکوب قیام‌ها، امید گروه‌های شیعی به اصلاح امور بحرین از راه‌های رسمی و قانونی را از بین برد و بزرگ‌ترین حزب پارلمان یعنی جمعیت شیعی الوفاق را ناچار کرد تا به قیمت از دست رفتن جایگاه رسمی‌اش در سیاست، به حرکت مردم و جامعه ملحق شود. (حاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲)

عبدالهادی خلف، استاد جامعه‌شناسی و توسعه دانشگاه Lund سوئد، درباره تحولات سیاسی و اجتماعی بحرین اعتقاد دارد که اصلاحات سیاسی در بحرین، راهی طولانی برای تحقق کامل دموکراسی در این کشور دارد و نیازمند تقسیم عادلانه امتیازات و اعطای حقوق برابر همراه با رضایت به همه گروه‌ها و احزاب سیاسی - اجتماعی است. (Khalaf, 2004)

در جریان ناآرامی‌های فوریه و مارس ۲۰۱۱ که معترضان به شدت سرکوب شدند و رهبران برجسته اپوزیسیون به حبس طولانی‌مدت محکوم گشتند و بیش از چهل مسجد شیعیان یا دیگر سازه‌های مذهبی آسیب دیدند یا نابود شدند، رژیم بحرین با صدور قانون امنیت ملی، سعی کرد به سرکوب معترضان وجهه قانونی و مشروع ببخشد، لذا خود را در آغوش همسایگان خود پنهان کرد. این امر هنگامی شدت گرفت که اعضای شورای همکاری خلیج فارس، پیروزی جمعیت شیعه این کشور را که نمایندگان ایران فرض می‌شدند، پس زدند. (دارمی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱-۱۸۲)

به طور کلی می‌توان ریشه‌های بحران این کشور را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. حکومت اقلیت سنی آل‌خلیفه (که کاملاً تحت حمایت همه‌جانبه حکومت عربستان سعودی قرار دارند) بر اکثریت شیعی؛
۲. جلوگیری از مشارکت سیاسی شیعیان؛

۳. تغییر بافت جمعیتی بحرین: حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی این کشور به نفع اهل سنت، به مهاجران سنی از کشورهای چون پاکستان، بنگلادش، اردن

و... تابعیت داده که اکثر آن‌ها هیچ تخصصی هم ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین می‌آیند. هم‌چنین حکومت بحرین از این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌کند که خود نشان از تبعیض شدید مذهبی در این کشور دارد؛
۴. فاصله طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت. (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹)

نقش عربستان در تحولات سیاسی بحرین

بحرین، از جمله کشورهایی است که می‌توان به جرأت گفت، صددرصد مستقل نیست. علت این امر، به سبب نفوذ و دخالت جدی برادر بزرگ‌ترش در شورای همکاری خلیج فارس، یعنی عربستان سعودی در امور داخلی این کشور است. حکومت بحرین، مهم‌ترین شریک عربستان در شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به شمار می‌آید. عربستان نیز خود یک رژیم هویتی است. (افضلی، قالیباف، پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۲، ص ۲۱۹) بنابراین، یکی از مسائل مهم در بررسی بیداری تحولات بحرین، نقش عربستان در وضعیت شیعیان بحرین به‌عنوان عاملی تأثیرگذار و مهم است.
دولت عربستان به دلایل مختلف، از سیاست‌های سرکوب‌گرانه و انعطاف‌ناپذیر علیه معترضان بحرین و در رأس آن‌ها جمعیت شیعی الوفاق حمایت می‌کند. دلایل این امر را می‌توان چنین برشمرد:

اولاً؛ این کشور قاطعانه با هر نوع گسترش دموکراسی در منطقه که ممکن است خود رژیم سعودی را زیر فشار قرار دهد، مخالف است.
ثانیاً؛ ایدئولوژی وهابی، پادشاه سعودی این کشور را در تقابل شدید با شیعیان قرار می‌دهد و در صورت امکان، هرگز به راحتی با به قدرت رسیدن شیعیان در کشورهای همسایه کنار نخواهد آمد.

ثالثاً؛ شیعیان بحرینی پیوند نزدیکی با شیعیان سعودی دارند به‌گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان بحرین، به سرعت بر شیعیان سعودی اثر می‌گذارد (هرچند وضعیت سیاسی شیعیان سعودی متفاوت است و آنان در اقلیت هستند).

گفته‌اند بیش از ۴۵ درصد بودجه بحرین را عربستان تأمین می‌کند. در صورت درستی این امر، این موضوع باعث می‌شود تا عربستان بتواند به راحتی در امور داخلی بحرین دخالت کند. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴، ص ۳۰۱)

البته شیعیان بحرین معتقدند این امر سابقه داشته و سربازان ضدشورش سعودی در سال ۱۹۷۵ نیز برای مدتی کوتاه وارد بحرین شدند و به سرکوب شیعیان پرداختند. با عنایت به این قضایا و همچنین دخالت آشکار نظامی اخیر سعودی‌ها در تحولات بحرین، به نظر می‌رسد می‌توان این فرض را پذیرفت که سعودی‌ها عامل قدرتمندی در ترغیب آل‌خلیفه به انعطاف‌ناپذیری علیه شیعیان و اتخاذ روش‌های سرکوبگرانه علیه آن‌ها هستند. (کازمی دینان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷)

ریشه این‌گونه اقدامات و موضع‌گیری‌های عربستان را در نوشته‌های برخی کارشناسان عرب می‌توان یافت؛ برای مثال، در مقاله مبسوطی که دو تن از نویسندگان عرب نوشته‌اند، ضمن طرح ادعای دخالت همه‌جانبه ایران در مسائل منطقه و از جمله در بحرین، بر لزوم مقابله جدی حاکمان عرب برای مقابله با این امر تأکید کرده‌اند. (معدالورقه و عقیل بن محمد المقطری، ۱۴۳۵ق)

پرواضح است که رهبران عربستان، نگران حفظ ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای هستند. آن‌ها برای امنیت و ثبات خود، موارد ذیل را پی‌گیری می‌کنند:

۱. حمایت از فعالان سیاسی منطقه که دارای اهداف استراتژیک مشابه با عربستان و متحدان غربی این کشور هستند؛

۲. حراست از امنیت آسیب‌پذیر شبه‌جزیره عربستان به طور خاص و خلیج فارس به طور کلی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بدون نیاز به حمایت نظامی ایالات متحده؛

۳. مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایه خود بحرین و همچنین دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس؛

۴. اطمینان از کاهش اختلافات و مداخلات در جهان عرب. (Kamrava, 2012)

فرازمند سفیر سابق ایران در بحرین معتقد است، نگاه ایران به بحرین با هیچ کشور دیگری در این مورد قابل مقایسه نیست؛ زیرا چهار دهه قبل، ایران ادعای حاکمیت بر آن را داشته و پیوندهای عمیق مذهبی و فرهنگی میان دو کشور وجود دارد. به همین دلیل ایران، بازی‌گری بانفوذ در بحرین است. از سویی، ارتباط مذهبی میان مردم دو کشور بسیار قوی است تا جایی که بیش‌تر شیعیان بحرین پیرو مراجع تقلید مستقر در ایران هستند.

سفیر پیشین ایران در بحرین، عربستان را بازی‌گر دیگری در بحرین دانست و گفت:

میان این دو کشور، پلی به طول ۲۴ کیلومتر ساخته شده و حتی نمی‌توان گفت بحرین در خارج از آب‌های ساحلی عربستان قرار دارد. بحرین از نظر اقتصادی، منابع زیرزمینی قوی ندارد و ۲۰٪ از درآمدش از توریسم به دست می‌آید که بیش‌تر آن متکی به شهروندان سعودی است.

وی با اشاره به مواضع سیاسی دولت بحرین گفت: «در مسائل مربوط به شورای همکاری خلیج فارس، بحرین همواره در قطب عربستان قرار دارد». (فرازمند، ۱۳۹۰، ص ۲۱)

در مجموع، شاید بتوان مهم‌ترین ریشه‌های تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیک ایران و عربستان را درباره بحرین به صورت ذیل برشمرد:

۱. ادعاهای ارضی ایران در خصوص بحرین (قبل از انقلاب)؛

۲. وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷؛

۳. برانگیختن حس انقلابی شیعیان بحرین و عربستان؛

۴. حمایت ایران از افزایش نقش شیعیان بحرینی؛

۵. حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین؛
۶. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس علیه ایفای نقش ایران در منطقه؛
۷. دخالت نظامی عربستان در بحرین؛
۸. رقابت تسلیحاتی دو کشور و پی‌ریزی سناریوهای متعدد برای انزوای ایران. (آدمی، موسوی و توتی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲)

راهبرد جمهوری اسلامی ایران درباره بحرین

الف. قانون اساسی و مواضع مقامات ارشد نظام

هرچند جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام اسلامی با ایدئولوژی اسلامی شیعی، داعیه‌دار رهبری جهان تشیع است، در سطحی بالاتر در اسناد بالادستی و از همه مهم‌تر در قانون اساسی ایران، بر ضرورت حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و اعتراضات ملل مظلوم و مستضعف دنیا اعم از شیعه و یا غیرشیعه و حتی غیرمسلمان تأکید ویژه‌ای شده است. اصل ۱۵۴ قانون اساسی چنین بیان می‌دارد:

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (ناصرزاده، ۱۳۷۸، ص ۳۲)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، پس از اوج‌گیری تحولات بحرین، به این نکته مهم اشاره داشته که نباید حمایت ایران از مردم بحرین را در چارچوب منازعات شیعه - سنی بررسی کرد و اساساً قیام مردم بحرین، به‌دلیل ضداستبدادی بودن حمایت جمهوری اسلامی را موجب است. (سایت اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، اول فروردین ۱۳۹۰)

ایشان در سخنرانی دیگری درباره قیام مردم بحرین گفتند:

در بین این ملت‌ها، ملت بحرین از همه مظلوم‌ترند؛ چون متأسفانه مورد سکوت و بایکوت همه رسانه‌های دنیا قرار دارند. در هیچ منطق انسانی و جهانی، درخواست آن‌ها مردود نیست، بلکه درخواست بحق است، لیکن مظلوم واقع شده‌اند؛ به‌کلی اینها را از دایره تبلیغ و ترویج خارج کرده‌اند، بلکه علیه آن‌ها مرتباً تبلیغ می‌کنند. البته اثر هم ندارد. آن ملت هم به توفیق الهی پیروز خواهد شد. حکام بحرین ادعا کردند که ایران در قضایای بحرین دخالت می‌کند. این دروغ است. نه، ما دخالت نمی‌کنیم. ما آن‌جایی که دخالت کنیم، صریح می‌گوییم ... این‌که حالا حاکم جزیره بحرین بیاید بگوید ایران در قضایای بحرین دخالت می‌کند؛ نه، این حرف درستی نیست؛ حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت می‌کردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری می‌شد! (۱۳۹۰/۱۱/۱۴) (<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9093>، هم‌چنین در سخنرانی دیگری به وضعیت بحرین اشاره کردند و گفتند:

نمی‌توانیم در نزاع جبهه استکبار با جبهه ارزش‌ها و استقلال‌طلبی بی‌تفاوت باشیم و بر همین اساس، مواضع جمهوری اسلامی ایران در قضایای مختلف منطقه به‌ویژه موضوع فلسطین و مسائل بحرین، یمن و سوریه و عراق کاملاً روشن و منطقی است. گناه مردم بحرین چیست؟ آیا آن‌ها خواهان چیزی جز حق رأی برای هریک از مردم هستند؟ آیا این، دموکراسی نیست! مگر غربی‌ها مدعی حمایت از دموکراسی نیستند؟ کار این اقلیت ظالم به جایی رسیده است که به مقدسات و عزاداری محرم مردم بحرین توهین می‌کند.

(<http://www.leader.ir/langs/fa>, ۱۳۹۴/۹/۴)

دکتر روحانی، رئیس‌جمهور ایران نیز در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل به مسأله بحرین اشاره نمود و گفت:

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نسبت به امنیت منطقه و جهان، مسئولانه برخورد می‌کند و آمادگی همکاری چندجانبه و همه‌جانبه با سایر بازیگران مسئول در این عرصه‌ها را دارد. ما از صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رأی در همه جای جهان از جمله در سوریه و بحرین و دیگر کشورهای منطقه دفاع می‌کنیم و معتقدیم راه‌های خشونت‌آمیز برای بحران‌های جهانی وجود ندارد و تنها به کمک خرد انسانی و با تعامل و اعتدال می‌توان بر واقعیت‌های تلخ جامعه بشری غلبه کرد. (سایت ریاست جمهوری، ۲۹ فروردین ۱۳۹۴)

مجلس شورای اسلامی نیز در جریان اعتراضات مردمی بحرین، در محکومیت مداخله عربستان در امور داخلی آن کشور بیانیه صادر کرد. (دلاورپور اقدم و فردی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۸)

آیت‌الله تسخیری، دبیرکل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: حرکت مردم در بحرین، ریشه طولانی در تاریخ این کشور دارد. جنبش بحرین، حرکتی عالمانه است که رهبری آن را علمای اسلامی بر عهده دارند. کل امکانات غرب برای سرکوب این حرکت اسلامی - مردمی بسیج شد و رسانه‌های آن نیز شعارهای خود را در زمینه حقوق بشر و دموکراسی فراموش کردند و به هیچ وجه اطلاع‌رسانی در این خصوص صورت نگرفت.

هر چند تنش‌های لفظی ایران با برخی دولت‌های شورای هم‌کاری خلیج فارس بیش‌تر شده، سرمایه‌گذاری تهران بر مردم منطقه متمرکز گردیده که اعلام هم‌بستگی با شیعیان بحرین و بیانیه مجلس شورای اسلامی در محکومیت مداخله عربستان در امور داخلی بحرین در همین چارچوب قابل ارزیابی است. (دلورپور اقدم و فردی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۸)

ب. مواضع و اقدامات دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی

برخی کارشناسان اعتقاد دارند که بحرین نقشی مهم در ورود ایران به ترتیبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. (نیکو، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵)

علی‌آدمی و دیگران اعتقاد دارند که به‌نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین در چارچوب سازهانگاری بیش‌تر قابل فهم باشد. (آدمی، موسوی و توتی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴)

در عین حال، عبدالعلی قوام نیز اعتقاد دارد که عامل تعیین‌کننده رفتار ایران با بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته بود. (قوام، ۱۳۸۴، ص ۸۴)

دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی پس از وقوع تحولات سیاسی بحرین و سرکوب معترضان توسط حکومت آل‌خلیفه، مقامات این کشور را به خویشتن‌داری و توجه بیش‌تر به مطالبات و حقوق معترضان و اقدامات اعتمادآفرین دعوت کرد.

جمهوری اسلامی در ۲۵ اسفند ۱۳۸۹، در اعتراض به کشتار و سرکوب وسیع شیعیان بحرین توسط رژیم آل‌خلیفه، سفیر خود در این کشور (مهدی آقاجعفری) را فراخواند.

حسین امیرعبداللہیان، معاون عربی و افریقایی وزارت امور خارجه در اردیبهشت ۱۳۹۲، از سرکوب دولتی اعتراضات در بحرین و حمله نیروهای امنیتی به منزل علما و روحانیان این کشور انتقاد کرد و درباره تبعات چنین رفتارهایی هشدار داد. (وکاله انباء البحرین (بنا)، ۲۰۱۳/۵/۲۲)

مرضیه افخم، سخن‌گوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی نیز هم‌زمان با اوج‌گیری سرکوب معترضان بحرینی، ضمن محکوم کردن هرگونه اقدام خشونت‌آمیز، اظهار داشت:

تشدید فضای امنیتی و پلیسی و هم‌چنین بازداشت و حبس فعالان سیاسی به بهانه‌های بی‌اساس، نه‌تنها مشکلات به‌وجودآمده را حل نکرده، بلکه آن را پیچیده‌تر خواهد کرد.

وی اظهار امیدواری کرد، مقام‌های بحرین با اقدامات اعتمادآفرین خود زمینه‌های لازم را برای گفت‌وگوهای سازنده مردم و دولت و تحقق مطالبات مشروع مردم فراهم کنند، (خبرگزاری ایسنا، ۱ مهر ۱۳۹۲)

دکتر حبیب‌الله ملکوتی‌فر، معاون پیشین سفارت ایران در بحرین گفت:
گروه شیعه الوفاق امروز در بحرین بسیار اثرگذار بوده و بزرگ‌ترین گروه شیعه بحرین است.

محمد فرازمنند، سفیر اسبق ایران در بحرین^۱ و پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه اعتقاد دارد:

۱. در بحرین پنج بازی‌گر را شامل مردم، حاکمیت، ایران، عربستان و امریکامی‌توان شناخت.

۱. وی ضمن نگارش مقالات متعدد در زمینه تحولات کشورهای عربی، کتابی با عنوان فرهنگ رجال معاصر بحرین (انتشارات عظام، ۱۳۹۰) نیز نگاشته است.

۲. نگاه ایران به بحرین، با هیچ کشور دیگری در این مورد قابل مقایسه نیست. زیرا چهار دهه قبل، ایران ادعای حاکمیت بر آن را داشته و پیوندهای عمیق مذهبی و فرهنگی میان دو کشور وجود دارد. به همین دلیل، ایران بازی‌گری بانفوذ در بحرین است.

۳. در مسائل مربوط به شورای همکاری خلیج فارس، رژیم بحرین همواره در قطب عربستان قرار دارد.

۴. عربستان تا آنجا پیش رفت که بحرین را به اشغال خود در آورد. (گزارش همایش بحران بحرین، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۲۱)

پس از بازداشت شیخ علی سلمان، در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ (۷ دی ۱۳۹۳) نیز موضع‌گیری مقامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی شدت یافت. دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در واکنش به این بازداشت گفت:

برخوردهای قهری با رهبران مورد احترام مردم که به‌رغم شرایط سخت سیاسی و امنیتی سال‌های اخیر از مشی مسالمت‌جویانه برای پیگیری مطالبات مردم عدول نکرده‌اند، بر پیچیدگی اوضاع خواهد افزود و مخاطرات و تهدیدات را افزایش خواهد داد.

وی آزادی فوری شیخ علی سلمان را خواستار شد و افزود:

واکنش‌های بین‌المللی، مجامع و مراجع دینی - مذهبی به دستگیری وی، نشان می‌دهد که شیخ سلمان از احترام زیادی برخوردار است و مشی اعتدالی وی و جمعیت الوفاق مقبولیت مردمی و بین‌المللی دارد.

(<http://news.irib.ir/news/iran/item/60399>, ۱۳۹۳/۱۰/۱۰)

با عنایت به این امر، مشخص می‌شود که نوع نگاه جمهوری اسلامی به تحولات در بحرین، قیامی اسلامی - شیعی و از آن مهم‌تر، ظلم‌ستیزانه است که رژیم آل‌خلیفه

آن را به شدت سرکوب می‌کند. به عبارت دیگر، بر مبنای محورهای مطرح در نظریه سازهانگاری به خصوص مسأله هویت، نگاه ایران به رفتار هیأت حاکمه بحرین و همچنین اقدامات عربستان در بحرین، نگاهی سرکوب‌گرانه، ظالمانه، غیرانسانی و ضدشیعی است. جمهوری اسلامی از ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین، تلاش داشته تا با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم، بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین به‌عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپولیتیک با آن اشتراک دارد. (مظفری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲)

در مقابل، رقیب منطقه‌ای ایران یعنی عربستان سعودی، بر مبنای هویت سنی - وهابی خود (با عنایت به توضیحات قبل درباره میزان نفوذ و نوع دخالت‌های این کشور در بحرین) که مناسبات خود با دیگر کشورها و بازی‌گران منطقه‌ای را بر همین مبنای تنظیم می‌کند، رفتار هیأت حاکمه بحرین با گروه‌هایی نظیر جمعیت ملی الوفاق را دفاع از حاکمیت و امنیت ملی تعریف می‌نماید و در مقابل، معترضان را خطری جدی برای ایدئولوژی وهابی خود می‌داند که مشغول تقویت هلال شیعی در منطقه و نهایتاً گسترش نفوذ رقیب سرسختش (جمهوری اسلامی ایران) در منطقه و بلکه کل جهان اسلام است.

ج. استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای

ابتدا باید ذکر کرد که برخی گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، متضمن ایراد تهمت به ایران درباره دخالت در امور داخلی بحرین است. برای مثال، گروه بین‌المللی بحران، جنگ رسانه‌ای دولت بحرین و معترضان و ظهور اپوزیسیون در کانال‌های شیعی را مصداق ادعای مداخله ایران در امور بحرین دانسته است. این گزارش، هم‌چنین به ادعای مقامات دولتی بحرین مبنی بر «ارتباط معترضان با رسانه‌های العالم و المنار» پرداخته است. (دارمی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲-۱۹۴)

در مقابل، برخی کارشناسان و متخصصان رسانه‌ای هم‌چون محمد حسن البحرانی، مدیر سابق دفتر الجزیره در تهران، رفتار رسانه‌های غربی و عربی درباره پوشش اخبار تحولات سوریه و بحرین را کاملاً متناقض دانسته‌اند. (فقیه حقانی، ۱۳۹۰، ص ۶۸)

هم‌چنین عبدالرحمان الراشد، مدیر سابق العربیه معتقد است که:

- شیعیان بحرین، یک گروه ایرانی نیستند؛

- معترضان، گروهی از سپاه یا حزب‌الله نیستند. نباید مشکل را به این تهمت‌ها

خلاصه کرد. (استراتژی عربستان در برابر خیزش‌های جهان عرب)

هم‌چنین برخی کارشناسان و سیاست‌گذاران ارشد رسانه‌ای ایران، اعتقاد دارند که اعتراضات مردم بحرین، به واسطه اکثریت شیعی آن‌ها سانسور شده و آن‌طور که باید و شاید رسانه‌های عربی و غربی آن را منعکس نمی‌کنند؛ برای مثال، مهدی حسن الخفاجی، مدیر کل عربی و آفریقایی در معاونت برون‌مرزی صدا و سیما می‌گوید:

در میان کشورهایایی که بیداری اسلامی در آن‌ها روی داد، بیش‌ترین ستم

در حق مردم بحرین روا داشته شد، آن هم به اتهام واهی طایفه‌گری و

ارتباط با جمهوری اسلامی ایران. (فقیه حقانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲)

با عنایت به موارد یادشده، ایران همگام با استفاده از تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک خود برای هشدار به حکومت‌مداران بحرین برای رعایت حقوق معترضان، به نحو احسن کوشیده تا با استفاده از بازوهای رسانه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی خود نظیر پرستی‌وی و العالم و ... ، به برجسته‌سازی اعتراضات مردم بحرین بپردازد. برای مثال، یافته‌های تحقیقی نگارنده مقاله نشان می‌دهد که در بازه زمانی پنج‌ماهه شهریور تا دی ماه ۱۳۹۳، در حدود ۹۰٪ این زمان (بیش‌تر از ۱۳۵ روز)، شبکه پرستی‌وی دست‌کم یک یا دو خبر و گزارش تحلیلی درباره بحرین را روی آنتن فرستاده و ضمناً با برخی معترضان در تبعید نظیر سعید الشهابی، مصاحبه زنده و یا ضبطی نموده است. (کاظمی دینان، ۱۳۹۳)

هم‌زمان با اعتراضات رسمی مقامات جمهوری اسلامی نظیر وزیر امور خارجه، سخن‌گوی وزارت امور خارجه و ...، شبکه‌های تلویزیونی صدا و سیما جمهوری اسلامی به‌ویژه پرستی‌وی و العالم و هم‌چنین خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دولتی هم‌چون: الوفاق، کیهان عربی، ایرنا، ایسنا، تسنیم، فارس‌نیوز، کیهان، ایران، جام‌جم و رسالت نیز به پوشش پرحجم این رویداد و برجسته‌سازی اعتراضات مردمی به بازداشت شیخ علی سلمان پرداختند و در عمده اخبار و تحلیل‌های مربوط به این موضوع، آن را اقدامی نادرست و تحریک‌کننده و بر خلاف اصول اساسی حقوق بشر دانستند.

استفاده از سیستم پایش نشریات فارسی‌مگیران (magiran) نشان می‌دهد که اساساً از ابتدای تحولات بحرین در چهارده فوریه ۲۰۱۱ تاکنون، تقریباً هیچ روز کاری نبوده که یک خبر، گزارش، مصاحبه و یا تحلیل درباره تحولات بحرین (که حاوی انتقاد از رژیم آل‌خلیفه و یا حمایت از معترضان بحرینی بوده) در یکی از رسانه‌های مذکور درج نشده باشد.

به ادعای مقامات دولتی بحرین، معترضان بحرینی، با رسانه‌هایی نظیر العالم (ایران) و المنار (حزب‌الله لبنان) در ارتباطند. در آن سو، معترضان و فعالان شیعه مخالف دولت بحرین، ادعا می‌کنند که کریم فخرآوی، یکی از معترضان شاخص، به‌دلیل این‌که یک شیعه ایرانی‌تبار بود، هدف سربازان آل‌خلیفه قرار گرفت.^۱ (دارمی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲-۱۹۳)

نتایج حاصل از یک تحقیق درباره نحوه بازتاب تحولات بحرین، یمن و سوریه در مطبوعات داخلی ایران که طی آن ده روزنامه مهم و پرمخاطب کشور در دوره شش ماهه از اول بهمن ۸۹ تا آخر تیر ۹۰ بررسی گردید، بدین شرح است:

۱. شیعیان بحرینی، با ریشه ایرانی، نزدیک به ۱۰٪ از شیعیان بحرین را تشکیل می‌دهند.

- درباره حجم مطالب (برحسب سانتی‌متر ستونی)، بیشترین حجم مطلب در مطبوعات کشور، به بحرین مربوط می‌شود که در ۳۴/۵۵ درصد اخبار به آن اشاره شده است.

- ۲۸/۷۵ درصد اخبار مطبوعات مذکور، مربوط به تحولات یمن بوده است.

- ۲۵/۵۹ درصد اخبار مطبوعات مذکور، مربوط به تحولات سوریه بوده است.

- بقیه اخبار (۱۱/۱۱ درصد) مربوط به کشورهای منطقه به‌طور مشترک بوده است.

- نکته بسیار مهم این است که ارجاع به خبرگزاری دولتی بحرین بسیار کم بوده و به خبرگزاری دولتی یمن، هیچ ارجاعی نشده است. (محمدی‌زاده و اسدی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۲ و ۳۱۹)

ایران علاوه بر اقدامات رسانه‌ای فوق، در ۲۶ اردیبهشت ۹۰ همایشی با عنوان «بحران بحرین، آزمونی فراروی جامعه بین‌الملل» در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار کرد که این اقدام، نشان‌دهنده رویکرد کاملاً حمایتی ایران از انقلابیون بحرین به‌ویژه الوفاق است.

به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که ایران درصدد بوده تا از مؤلفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات بحرین به‌طور اخص و معادلات منطقه به‌طور اعم استفاده حداکثری بنماید و در این زمینه تلاش می‌کند تا مردم این کشور به حقوق ضایع شده خود دست یابند. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳)

کاربست نظریه سازه‌انگاری

همان‌طور که در بخش نظری مقاله توضیح داده شد، نظریه سازه‌انگاری به تأثیر متقابل ساختار و کارگزار (یا کارگزاران) بر یکدیگر و هم‌چنین نقش مهم ساختارهای بین‌الذهانی و هویت‌ها بر تعاملات بازی‌گران سیاسی می‌پردازد و بر آن تأکید می‌ورزد.

با عنایت به توضیحات و مصادیقی که در بخش‌های مختلف این مقاله آمد، به نظر می‌رسد ایران نیز بر اساس هویتی که از خود (اسلامی، شیعی، ظلم‌ستیز، استکبارستیز و مقابله با صهیونیست‌ها و مدافعان آن) و رژیم‌های آل‌سعود و آل‌خلیفه (سلطانی، فاسد، مستبد، ظالم و پیرو سیاست‌های منطقه‌ای امریکا و سازشکار با رژیم صهیونیستی) تعریف کرده و هم‌چنین نوع نگاهش به تحولات عربی در چهار سال اخیر و ساختار فعلی نظام بین‌الملل، تحولات بحرین را مصداقی بارز از بیداری اسلامی می‌داند و بر همین مبنا نیز سیاست خارجی‌اش را در قبال این تحولات طرح‌ریزی می‌کند.

به عبارت دیگر، ایران بر مبنای اصول و ارزش‌های مصرح و بنیادی خود هم‌چون: ظلم‌ستیزی، مقابله با گسترش نفوذ و قدرت اسرائیل و هم‌پیمانان و حامیانش در منطقه، مقابله با قدرت‌یابی ایدئولوژی وهابی سعودی در جهان اسلام و حمایت از شیعیان منطقه و جهان، از اعتراض‌های مردمی در بحرین حمایت و تأیید می‌کند.

پرواضح است که این نوع برخورد، بر مبنای آموزه‌های رئالیستی و یا ایده‌آلیستی نیست که برآمده از ساختار ذهنی شکل‌گرفته در نظام جمهوری اسلامی و نوع عینکی است که با آن تحولات منطقه را می‌نگرد و رصد می‌کند.

در همین زمینه، علاوه بر روش‌های سنتی دیپلماسی هم‌چون: مذاکره، اظهار نظر رسمی توسط وزیر و یا سخن‌گوی وزارت امور خارجه و غیره، جمهوری اسلامی از ابزارهای قدرت نرم یعنی استفاده از رسانه‌های جمعی و فراگیر نیز نهایت استفاده را خواهد کرد تا از معترضان بحرینی و به‌ویژه جنبش الوفاق حمایت کند.

البته هم‌چنان‌که حاجی‌یوسفی (۱۳۹۰، ص ۱۶۱) نشان داده است، دولت دهم در رویکرد خود نسبت به مسأله بحرین، از منظری که با نگرش رهبری انقلاب اسلامی و رسانه‌های رسمی نظام زاویه داشت، به مسأله بحرین نگرست. وی نتیجه گرفته که دو دیدگاه در مورد تحولات منطقه وجود داشته است:

دیدگاه اول شامل مجلس شورای اسلامی، نهاد رهبری، قوه قضاییه و ائمه جماعات؛

دیدگاه دوم شامل قوه مجریه به خصوص رئیس‌جمهور است. این دو دیدگاه باعث اتخاذ دو موضع‌گیری متفاوت و اقدامات مختلف در بین مقامات ایرانی در قبال تحولات شده است.

دیدگاه گروه اول، در بیانات صریح و شفاف آنان از نخستین روزهای این قیام‌ها قابل فهم است. این گروه از آغاز تحولات تاکنون، جنبش‌ها و تحولات خاورمیانه را برگرفته از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند و به دنبال اثبات این امر هستند که ریشه این تحولات برگرفته از انقلاب اسلامی ایران و هم‌چنین انتفاضه فلسطین است؛ ماهیت آن‌ها اسلامی و مردمی و هدف آن‌ها رسیدن به حکومت اسلامی است. این گروه بیشتر از واژگان حرکت‌های مردمی، موج بیداری و هوشیاری مردم، بیداری اسلامی، بازگشت به ارزش‌های اسلامی، انقلاب‌های منطقه و انقلاب مردمی برای توصیف تحولات استفاده کرده‌اند. موضع‌گیری این گروه، حمایت بی‌چون‌وچرا از تحولات منطقه بوده است و آن را بیداری اسلامی می‌نامند و خواهان برقراری ارتباط با مردم منطقه و سردمداران این تحولات هستند. تشکیل کنفرانس‌های متعدد از یک سو و تأسیس دبیرخانه دائمی با عنوان شورای مشورتی مجمع جهانی بیداری اسلامی از سوی دیگر، عمده‌ترین اقدامات حامیان برداشت اول بوده است.

گروه دوم در ابراز نظر و بیانیه و موضع‌گیری بسیار محتاطانه و دیرتر از گروه اول و با ابهام عمل کرده است. در واقع، این گروه با نگاه بدبینانه، ریشه و ماهیت تحولات را امریکایی - اسرائیلی می‌داند.

البته حاجی‌یوسفی اذعان داشته که این بدین معنا نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال تحولات منطقه خاورمیانه به شکل دوگانه عمل کرده، بلکه بدین معناست که هر برداشت، به نوعی کنش منجر شده، هر چند این کنش‌ها در

کل در چارچوبی هماهنگ عمل کرده است. به عبارت دیگر، مبنا و اصل یا استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران واحد است، اما از ابزارهای متفاوتی به سبب دو دیدگاه و برداشت مختلف استفاده شده است. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)

باید به این جنبه مهم هم توجه داشته باشیم که استفاده از روش‌های سخت‌افزاری از قبیل تجهیز و تسلیح اعضای جمعیت الوفاق و یا آموزش اعضای آن برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم آل‌خلیفه، موضوعیت ندارد و در صورت امکان نیز احتمالاً نتیجه مؤثری نخواهد داشت و بالعکس، هزینه‌های سنگینی را به جمهوری اسلامی و هم‌چنین معترضان بحرینی وارد می‌کند و ممکن است فشارها را بر آن‌ها دو چندان نماید.

به عبارت دیگر، در حال حاضر به نظر می‌رسد توسل به روش‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، از جمله مهم‌ترین اجزای سیاست جمهوری اسلامی در قبال تحولات بحرین بوده و ایران در موقعیت فعلی منطقه، این روش را موثرترین نوع برخورد با بیداری اسلامی در این کشور می‌داند. این جهت‌گیری نیز بر مبنای ساختار بین‌ذهنی و هویتی است که ایران از امریکا و هم‌پیمانانش در منطقه تعریف کرده و به این نتیجه رسیده، چنان‌چه وارد عرصه سخت‌افزاری حمایت از شیعیان بحرین شود، نه تنها با افزایش حساسیت‌ها، فشارها بر آن‌ها زیاد می‌گردد، بلکه این مسأله به پاشنه‌آشیلی جدی برای خود نظام جمهوری اسلامی در منطقه تبدیل خواهد شد و امواج تصنعی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی ایجاد شده توسط رسانه‌های غربی - عربی را تقویت خواهد کرد که در نهایت به ضرر منافع ملی جمهوری اسلامی خواهد بود.

در مقابل، رفتار عربستان با بحرین، در جهت افزایش امنیت نسبی و حفظ حیثیت، پرستیژ و جایگاه خود در منطقه و مقابله با افزایش نفوذ و قدرت ایران در

منطقه است. به نظر می‌رسد با تغییر دولت در ایران و عربستان، به نوعی وضعیت بحرین وارد فضای تازه‌ای شد. از یک سو بعد از مرگ امیر عبدالله و به قدرت رسیدن ملک‌سلیمان در عربستان که به شدت تحت تأثیر ولی‌عهد و فرزند جوان خود قرار دارد، با حمله به یمن و در پیش گرفتن سیاست افراطی به خصوص در حمایت از داعش فضای خاورمیانه به سمت رادیکالتر شدن حرکت کرد؛ اما از دیگر سو، با به قدرت رسیدن دکتر روحانی در ایران با شعار تعامل سازنده با جهان که در دل خود بازسازی روابط با کشورهای عربی را نیز به همراه داشت، به نوعی جهت‌گیری این دو بازی‌گر مهم در فضای بحرین دچار پیچیدگی شد. البته به دنبال شهادت نمر باقرالنمر، روحانی برجسته شیعی در عربستان و قطع مناسبات دیپلماتیک عربستان با ایران، وضعیت بحرین نیز احتمالاً ملتهب‌تر خواهد شد؛ البته قطع روابط بحرین با ایران (ایرنا ۹۴/۱۰/۱۴) به تبعیت از عربستان، این پیام را با خود داشت که کشورهای حوزه جنوب خلیج فارس، در صدد جهت‌گیری جبهه‌ای در قبال ایران هستند. بی‌شک اگر رژیم بحرین رویکردی مشابه رویکرد عربستان در برخورد با رهبران شیعی بحرین در پیش گیرد؛ به تشنج مناسبات و عمیق‌تر شدن شکاف‌ها در دو سوی خلیج فارس خواهد انجامید.

هرچند مواضع ایران در برابر مردم بحرین در جهت احقاق حقوق آنهاست و تنها به حمایت‌های سیاسی و معنوی محدود شده، عربستان این رفتار را تهاجمی تفسیر می‌کند. پرواضح است که این نوع رفتار عربستان نیز بر اساس ساختار شکل‌گرفته در ذهن رهبران عربستان از ایران و شیعیان منطقه تنظیم شده است (آموزه‌های سازهانگاری).

از سوی دیگر، باید توجه کنیم که در نظریه سازهانگاری، دولت‌ها هم‌چنان به‌عنوان واحدهای اصلی تحلیل باقی می‌مانند و بر همین مبنا، جمهوری اسلامی به‌عنوان یک بازی‌گر عاقل و باتدبیر، علی‌رغم تمام اتهاماتی که رژیم‌های بحرین و

عربستان (در قبال تحولات بحرین) به آن مبنی بر تحریک معترضان وارد می‌کنند، یک سطح حداقلی از روابط و مناسبات را با دولت مستقر در بحرین و همچنین عربستان حفظ کرده و به قطع کامل روابط دست نزده است. اما در عین حال جمهوری اسلامی بر مبنای ساختار بین‌الذهانی که بین ایران و رژیم آل‌خلیفه وجود دارد، به حمایت سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای از معترضان بحرینی می‌پردازد.

نتیجه

نظریه سازه‌انگاری یکی از بهترین دستگاه‌های نظری برای تحلیل راهبرد جمهوری اسلامی در قبال تحولات بحرین است؛ البته این بدان معنا نیست که نظریه مذکور می‌تواند تمام ابعاد و وجوه موضوع مذکور را به‌طور کامل و دقیق بررسی کند.

از آن‌جا که جمهوری اسلامی خود یک رژیم هویتی (اسلامی، شیعی، مردم‌سالار، ظلم‌ستیز و استکبارستیز) است و در عین حال، عربستان به‌عنوان مهم‌ترین رقیب در منطقه و به‌ویژه در قضایای بحرین نیز بر مبنای مؤلفه‌های هویتی (عربیت، ترویج وهابیت، مقابله شدید با تفکر شیعی، ایران‌هراسی و ...) تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند، استفاده از نظریه‌ای که بر نقش هویت‌ها و تأثیر آن بر روابط و تعاملات بین‌المللی تأکید کند، می‌تواند تا حدود زیادی کارساز و مفید باشد. در این بحث، نوع نگاه معترضان بحرینی و به‌ویژه جنبش الوفاق که نقش محوری و هماهنگ‌کننده اصلی این جنبش را دارد، به مسأله فلسطین هم بسیار تأثیرگذار است. رهبران جمهوری اسلامی، بارها تأکید کرده‌اند که ملاک اصیل و مقبول بودن یک حرکت و جنبش اسلامی از نظر آن‌ها، نوع نگاه آن حرکت به مسأله فلسطین است.

معترضان بحرینی و در صدر آن‌ها اعضا و حامیان جنبش الوفاق، ماهیتی ظلم‌ستیزانه، استکبارستیزانه و ضداسرائیلی دارند و در مواضعشان نیز بر این امر

تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، مخالفان این معترضان یعنی رژیم آل‌خلیفه و حکمرانان عربستان، نگاه مثبتی به فلسطینیان نداشته و حتی بعضاً روابط پشت پرده‌ای نیز با اسرائیل برقرار کرده‌اند. آن‌ها همچنین با بزرگ‌ترین حامی و شریک راهبردی اسرائیل در عرصه بین‌المللی (امریکا)، روابطی عمیق دارند. حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین، مؤید این مدعاست.

علاوه بر این مسأله، تصریح قانون اساسی و رهبران ارشد نظام جمهوری اسلامی بر دفاع از مستضعفان و جنبش‌های رهایی‌بخش اصیل و به‌ویژه اسلام‌گرایانه، ایران را بر آن داشته تا با استفاده از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک و رسانه‌ای به حمایت از قیام مردم بحرین بپردازد.

در عین حال، نباید از نقش عامل شیعی و هم‌چنین پیشینه بحرین غافل شد که در دوره‌ای از قبل از انقلاب اسلامی، تحت حاکمیت ایران بوده. البته این عامل به‌عنوان فشار افکار عمومی داخل ایران برای حمایت سیاسیون از اعتراضات مردم بحرین عمل می‌کند و شاید در مواضع رسمی چندان ظهور نداشته باشد.

در مجموع باید اشاره کرد که تأثیر هویت‌ها و هم‌چنین تأثیر متقابل ساختار بر کارگزار (نظام بین‌الملل و حضور امریکا در منطقه) بر کارگزار (جمهوری اسلامی) در موضع‌گیری ایران در قبال تحولات بحرین، امری انکارناپذیر و مشهود است.

البته با روی کار آمدن ملک‌سلیمان در عربستان و تشدید هویت سلفی وهابی در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور، دلگرمی بحرین برای مقابله و سرکوب پیش‌تر شیعیان افزایش یافت. با روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران که با شعار تعامل سازنده با جهان و حل مسأله هسته‌ای همراه بود و در عین حال با کارشکنی‌های عربستان نیز مواجه شد، رویکرد رسمی در قبال بحران بحرین تحت‌تأثیر رویکرد تخریبی عربستان در چالش قرار گرفت. با مرگ تعداد زیادی از حجاج در منی و

اعدام شیخ نمر در عربستان، وخامت روابط دو سوی خلیج فارس بیش‌تر شد تا به قطع روابط رسمی عربستان و بحرین با ایران انجامید.

جهت‌گیری کشورهای دو سوی خلیج فارس، حاکی از عامل مهم نگرش‌های عقیدتی و ایدئولوژیک است و این چارچوب نظری مقاله حاضر را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد تغییر در این رویکرد و جهت‌گیری ایران در قبال کشورهای جنوب خلیج فارس و از جمله بحرین نیز منوط به تغییر در همین نگرش‌هاست. البته خسارت‌ها و زیان‌های اقتصادی و سیاسی ناشی از ناکامی‌های عربستان در سوریه و عراق و شکست‌های داعش از یک‌سو و کاهش شدید درآمدهای نفتی این کشور نیز در سمت‌گیری عربستان در منطقه بی‌تأثیر نخواهد بود. اما در مقابل، در صورت حل موفقیت‌آمیز مناقشه هسته‌ای ایران و غرب احتمالاً انرژی ایران را برای فعالیت بیش‌تر در منطقه خلیج فارس آزاد خواهد کرد؛ ضمن این‌که تغییر محسوس رویکرد غرب در قبال بحران سوریه، امکان تغییر هرچند اندک نگرش‌ها در قبال سیاست‌های عربستان را نیز افزایش داده، هرچند با توجه به موقعیت بحرین به منزله پایگاه نظامی امریکا، این تغییرات احتمالی راهبردی نخواهد بود.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌الله، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، بیداری اسلامی در جهان عرب، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.
۲. آدمی، علی، محمدرضا موسوی و حسینعلی توتی، «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۰، ۱۳۹۱.
۳. افضل‌ی، رسول، محمداقبر قالیباف، زهرا پیشگاهی فرد و مهدی میرزاده کوهشاهی، «پیامدهای راهبردی تغییر رژیم و برقراری دموکراسی در بحرین»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۹، بهار ۱۳۹۲.
۴. بحرانی، مرتضی، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۱.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران president.ir.
۶. توتی، حسینعلی و احمد دوست‌محمدی، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۳، تابستان ۱۳۹۲.
۷. جعفریان، رسول، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۱.
۸. جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
۹. حاتمی، محمدرضا و علی‌بغیری، «جنبش‌های اسلامی بحرین»، در: دائرة المعارف جنبش‌های اسلامی، به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، ج ۴، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲.
۱۰. حاجی یوسفی، امیرمحمد، «ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۸، بهار ۱۳۹۱.
۱۱. خبرگزاری ایسنا، ۱ مهر ۱۳۹۲.
۱۲. دارمی، سلیمه، «دشواری‌های بحرین در مسیر اصلاحات»^۱ در کتاب بیداری اسلامی ۲ (مطالعات موردی)، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۹۱.

۱. عنوان اصلی گزارش گروه بحران بین‌الملل (که یک سازمان غیردولتی است) درباره بحران بحرین عبارت است از:

International Crisis Group "popular protest in north Africa and the Middleeast (viii): Bahrans rocky road to reform". Middle East/ North Africa report, No.111, (July 28, 2011)

۱۳. دلاورپور اقدم، مصطفی و سعید فردی‌پور، خیزش‌های مردمی منطقه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۴. راثی، علی، «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی ایران و عربستان در قبال تحولات بیداری اسلامی (مطالعه موردی بحرین و سوریه)»، ۴۶۵، <http://iranbazgoo.persianblog.ir/post> ۱۷ دی ۱۳۹۲.
۱۵. سایت اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، اول فروردین ۱۳۹۰.
۱۶. سایت اینترنتی مطلع الفجر به نقل از خبرگزاری رسمی بحرین (بنا)، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲، انتقاد شورای همکاری از مواضع معاون وزیر امور خارجه ایران درباره بحرین.
۱۷. سایت تابناک، ۱۲ دی ۱۳۹۳.
۱۸. سایت خبر و تفسیر برون‌مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳/۱۰/۱۰، <http://news.irib.ir/news/iran/item/60399>.
۱۹. شکوه، حسن، درآمدی بر زمینه‌ها و پیامدهای اقتصادی بیداری اسلامی در خاورمیانه، کتاب بیداری اسلامی ۲، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۹۱.
۲۰. فرازمند، محمد، گزارش همایش بحرین مجله روابط فرهنگی، پیش شماره ۲، تیر ۱۳۹۰.
۲۱. فقیه حقانی، موسی، مجموعه مقالات همایش بیداری اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰.
۲۲. فولر، گراهام و فرانکه، رندرحیم، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۲۳. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و رضا سیمبر، بیداری اسلامی، عوامل، مسائل و چشم‌انداز، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۳.
۲۴. قنبرلو، عبدالله، نقش کنش‌گران فراملی در جنبش‌های ۲۰۱۱ جهان عرب، بیداری اسلامی در جهان عرب، به اهتمام سعید فرزادپور، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.
۲۵. قوام، سیدعبدالعلی، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۲۶. کاظمی دینان، سیدمرتضی، «بررسی نحوه پوشش خبری تحولات بحرین در شبکه پرس‌تی‌وی در بازه زمانی یکم شهریور تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۳»، اداره کل نظارت و ارزیابی خبر و برنامه‌های سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی.
۲۷. کاظمی دینان، سیدمرتضی، «ریشه‌یابی تحولات اخیر بحرین و رویکرد رسانه‌های غربی و عربی به آن» چکیده مقالات اولین کنفرانس علمی عدم‌تعهد، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، تهران، ۱۳۹۱.

۲۸. کاظمی دینان، سیدمرتضی، *علل خیزش شیعیان عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس* (عربستان سعودی، بحرین و کویت)، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
۲۹. گریفیتس، مارتین، روج، استیون و سولومون اسکات (۲۰۰۹). *پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل*، ترجمه علی‌رضا طیب، نشر نی، ۱۳۹۲.
۳۰. گزارش همایش بحران بحرین؛ آزمونی فراروی جامعه بین‌الملل، ماهنامه روابط فرهنگی، سال اول، ش ۲، تیر ۱۳۹۰. <http://albainah.com/index.aspx?function=Item&id=7269&lang>.
۳۱. گنجی ارجنکی، عبدالله، *موج سوم بیداری اسلامی*، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸.
۳۲. متقی‌زاده، زینب، *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷.
۳۳. محمدی‌زاده، فاطمه و عباس اسدی، «نحوه بازتاب تحولات بحرین، یمن و سوریه در مطبوعات ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲.
۳۴. مظفری، فرشته، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، ش ۸، تابستان ۱۳۸۴.
۳۵. معد الورقه و عقیل بن محمد المقطری، «التقلیل الایرانی فی الخلیج»، مؤتمر الثالث لرابطة العلماء المسلمین، ۱۶-۱۸ صفر ۱۴۳۵، فی الاستانبول بترکیا.
۳۶. ناصر زاده، هوشنگ، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات بابک، ۱۳۷۸.
۳۷. نجفی، محمدصادق و غلامحسین بلندیان، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۳، تابستان ۱۳۹۲.
۳۸. نیکو، حمید، تابستان، «ماهیت‌شناسی سیاسی شیعیان بحرین»، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال نهم، ش ۳۲، ۱۳۹۱.
۳۹. هاشمی‌نسب، سیدسعید، «بحران بحرین»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۴۰. وكالة انباء البحرين (بنا)، البرلمان العربی ینتقد تصريحات عبداللهیان بشأن البحرین و یعتبرها تدخلا سافرا فی الشأن المحلی، ۲۰۱۳/۵/۲۲.
41. Abdulhadi Khalaf, Political Reform In Bahrain, end of a road?, Middle East International (<http://meionline.com/features/194.shtml>), February 19, 2004.
42. <http://www.shia-news.com/fa/news> ۲۹ فروردین ۱۳۹۴
43. Kamrava, mehran, Mediation and Saudi foreign policy, October, 2012, Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, winter 2013.
45. Wendt. A, anarchy is what states make of it, international organization, 1992.